**منظومه تربیتی جوان و نوجوان مسجدی**

**زهرا حقاني‌(فعال حوزه رسانه)**

منظومه تربیتی یعنی چه؟ جوان و نوجوان و تنظیم چنین منظومه‌ای برای او، چه اهمیتی دارد؟ و ...

جوان و نوجوان مسلمان باید بداند اصلاً چرا به مسجد می‌آید. مي‌آید که چه بشود. آیا مي‌آید تا فقط چند رکعت فریضه روزانه را به جا آورد و بار تکلیف را از دوشش بردارد؟ یا اینکه مي‌آید تا با این آمدن زمینه به وجود آمدن اثرات دیگری را تضمین کند. جوان مسلمان برای اینکه بتواند در عرصه اجتماعی هدفمند و سازنده باشد، بايد خودش را بشناسد، مبانی دینی‌اش را بشناسد، مسجد را بشناسد و بداند اساساً این نهاد برای چیست. اگر او این مسائل را بداند یقیناً هدفمند، برنامه‌مند و هوشیارانه در همه عرصه‌ها حضور پیدا مي‌کند.

حالا اگر جوان بداند دین برای همه شئون زندگانی‌اش برنامه دارد چه مي‌شود؟ آیا جز این است که به دامان دین پناه مي‌آورد و عاشقانه به دنبال دستورات آن مي‌گردد؟

جوان مسلمان باید بداند دین آمده است تا تربیت کند. دین آمده تا جامعه را سر و سامان ببخشد، مردم را از شاخه‌اي به شاخه‌اي ديگر پریدن نجات دهد. آمده است راهي نشان دهد برای همیشه تاریخ، برای همه انسان‌ها. اگر توجه کنیم مي‌بینیم در همه حرکت‌های شکل‌گرفته در تاريخ اسلام، از دیرباز تا کنون، مسجد نقش بسزایی داشته است. مسجد كه پایگاه اسلام است، در همه اين حركت‌ها و در همه عصرهاي تاریخ اسلامی، نقش بسيار بااهمیتی داشته است.

پرسشي كه در اينجا مطرح مي‌شود اينكه جوان مسجدی چگونه باید باشد؟ با پاسخ دادن به این سؤال مي‌توان بخش عظیمی از منظومه تربیت دینی در سایه‌سار مسجد را تنظیم کرد.

ما در این نوشته کوتاه با اشاره به نمونه‌هاي اساسی از بایسته‌های جوان مسجدی، چند محور از مجموعه این منظومه را مورد بحث قرار مي‌دهیم:

مسجد جایگاه نماز است، جایگاه عبادت است. نماز هم که به گفته قرآن «تَنْهى‏ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ» است؛ یعنی ویژگی نماز این است که انسان را از کارهای نادرست و ناپسند به دور مي‌دارد. جوان مسجدی باید از نمازش نيرو بگیرد و همیشه در برابر زشتی‌ها و گناه‌ها بایستد. باید آمر به معروف و ناهی از منکر باشد. نباید نسبت به كساني که کنارش هستند و با او مراوده و معاشرت دارند، بی خیال باشد. باید نسبت به آنان دغدغه داشته باشد و برايشان دل بسوزاند. باید تمام توانش را بگذارد تا برای دیگران کار کند. اصلاً امر به معروف و نهی از منکر یعنی همین؛ یعنی تو به‌عنوان یک مسلمان حق نداری در قبال برادرت کوتاه بیایی. باید به فکرش باشی و مشکلات زندگی‌اش را مشکلات زندگی خودت بداني. امر به معروف و نهی از منکر بر خلاف آن تصور خشنی که-متاسفانه- امروز در ذهن‌ها نقش مي‌بندد و به افکار متبادر مي‌شود، یکی از زیباترین و انسان‌دوستانه‌ترین جلوه‌های دغدغه‌مندی دینی است. امر به معروف مي‌گوید؛ برادرت از این بهتر هم مي‌تواند باشد. نهی از منکر مي‌گوید؛ برادرت باید از آنچه مي‌کند دست بکشد، باید به جای سقوط، صعود کند. چرا تو کمکش نکنی؟

جوان مسجدی باید اینها را بداند. باید بداند مسجد مي‌آید که این چیزها را یاد بگیرد، مسجد مي‌آید که نسبت به بغل‌دستی‌اش در مترو و اتوبوس، همکارش، برادرش، خواهرش و خلاصه هر کسی که کوچک‌ترین ارتباطی با او دارد، بی‌توجه نباشد.

مسجد مي‌آید که دلش برای کشورش بسوزد، برای جامعه‌ای که در آن زندگی مي‌کند. مي‌آید تا یاد بگیرد هر چقدر هم که کوچک است، باید به همان اندازه‌، برای رشد اجتماعش بکوشد، باید برای مملکتش، حکومتش و برای کیان کشورت تلاش کند.

اگر این طور باشد، اگر به فردای قوم، کشور و دینش بیندیشد، دیگر مسجد محمل بیکاری‌هایش نمي‌شود، جایگاه بی‌برنامگی‌هایش نمي‌شود، دلیل درس نخواندن‌ها و تنبلی‌هایش نمي‌شود. برعکس وقتی که بفهمد برای چه به مسجد مي‌آید، درس‌خوان مي‌شود، مؤدب مي‌شود، بابرنامه و هوشیار مي‌شود. او وقتی بفهمد مسجد نهاد دغدغه‌مندی است، به خودش اکتفا نمي‌کند، دائم برای دیگران نگران است و تكاپو دارد. او وقتی بفهمد مسجد به او یاد مي‌دهد باید برای دیگران هم دل بسوزانی و راهنمایشان باشی، دیگر آرام و قرار ندارد. جوان مسجدی انقلابی است، مي‌خروشد و مي‌جوشد.

وقتی در همه چیز سرآمد جامعه‌اش باشد، مي‌تواند جریان‌ساز هم باشد. حالا یک جوان مسجدی وقتی به عرصه جریان‌سازی تأثیرگذاری پای مي‌گذارد، جامعه‌اش را در پرتو همان آموخته‌های مذهبی‌اش رشد و نمو مي‌دهد. به بیانی واضح‌تر مي‌توان گفت تربیت یک جوان مسجدی با ویژگی این‌چنینی، خودش یک مبارزه با سکولار کردن جامعه دینی است.

امروز نتیجه طبیعی عدم تبیین کارآمدی‌های مسجد، مساوی با تربیت نیروهای ناکارآمد مذهبی در اجتماع و نمایاندن چهره نامناسب از دین در میان اقشار جامعه است.

اما از همه این بحث‌ها مهم‌تر این است که چه کسی قرار است این مسایل را برای جوانان ما تبیین کند؟ چه کسی مي‌تواند؟ آیا همین عوامل فرهنگی که مسئول گرداندن کانون‌های مساجد هستند، قدرت چنین کاری را دارند؟ یعنی اصولاً هر کسی مي‌تواند چنین کاری کند یا خیر؟ آیا کسی که خودش رنگ دو صفحه کتاب را ندیده است، مي‌تواند در مورد فضیلت علم و علم‌آموزی و ضرورت توجه مسجدی‌ها به علم كاري مؤثر انجام دهد و جوانان و نوجوانان را قانع کند یا خیر؟

به نظر مي‌رسد همان‌طور که یکی از اصول بدیهی عقلی مي‌گويد فاقد شیء نمي‌تواند معطی آن باشد، یعنی تا کسی از چیزی بهره‌مند نباشد نمي‌تواند آن را به دیگران نیز اعطا کند، پر واضح است کسی که خود اهل علم نیست، توانایی چنین کاری را ندارد. کسی که خودش دغدغه‌مند نیست نمي‌تواند حس دغدغه‌مندی در مخاطبش هم ایجاد کند. مهم‌تر از آن اين است كه در یک مسجد اینکه امام جماعت با جوان‌ها چگونه تعامل مي‌کند، خیلی به چشم مي‌آید. خیلی مهم است امام جماعت خودش برای جوانان دغدغه دارد یا نه، برای جوانان فکر مي‌کند یا نه؟ دل مي‌سوزاند یا نه؟

به هر حال بررسی کامل شاخصه‌های یک منظومه کامل فکری برای تربیت جوانان مسجدیِ متدین و پایبند به اصول، مجالی بیش از این مي‌طلبد؛ اما به نظر مي‌رسد تقویت حس دغدغه‌مندی یکی از چیزهایی است که مي‌تواند به عنوان نیروی محرک دیگر عوامل را نیز جریان دهد. خوب است بدانیم در آیات و روایات برای تنظیم این‌چنین منظومه‌هایی مطالب سودمند کم نداریم.

فرد مسجدیِ خوب، مسجدیِ پایبند، مسجدی ارزش‌مدار و اصول‌محور کسی است که اولاً مسجد را با تمام خصوصیاتش بشناسد. ثانیاً در عمران و آبادی مسجد بر اساس معیارها و موازین مطرح‌شده کوشا باشد و در نهایت سعی کند که صفات قابل الگوبرداری مسجد را برای خود برگزیند و در وجودش نهادینه کند؛ مثلاً مسجد خوب مسجدی است که به گفته قرآن « أُسِّسَ عَلَى التَّقْوی» باشد. مسجدیِ خوب هم مسجدی‌ای است که سعی کند به هر میزانی که مي‌تواند صفت تقوا را در وجود خود نهادینه کند و اعمال روزانه زندگی خود را بر اساس موازین تعریف‌شده در قالب تقوا پی‌گیری کند.

با چنین دیدی مي‌توان منظومه کامل تربیتی جوان و نوجوان مسجدی را ترسیم و تبیین کرد.